



doi 10.22059/jwica.2022.342496.1787

Critique of Social Structures in Women's Fiction 1909-1931

Ali Baghdar Delgosha

PhD in History, Ferdowsi University of Mashhad, Khorasan Razavi, Iran. Email: ali.b.delgosha@gmail.com

Article Info

Paper Research:
Research Article

Received:
27 June 2022

Accepted:
3 July 2022

Keywords:
Women's Storytelling,
Social Demands, Women's
Press, Social Inequalities,
Ignorant Mothers.

Abstract

Simultaneously with the publication of the women's press in 1909, conditions were created for women to use a new language of expression, such as poetry and fiction, to express their views in addition to the further critique of social structures. This research is led by a qualitative method, using content analysis technique, and with index emphasis on fiction texts, published in the biographical press between 1289 (the year of publication of the first women's newspaper) to 1311 (the last year of publication of the women's world newspaper). It is trying to answer the question of what issues have women addressed in their fictional writings? What was their most important demand, and what did they introduce as the leading cause of women's subjugation? A complete and non-selective enumeration of biographies in the period under discussion, including 167 issues equals 4,401 (four thousand four hundred and one) press releases. The central theme of these fictional texts is women's rights in marriage - life and divorce, critique of forced marriage, early marriage (child marriage) and polygamy. Also, the behavior of "ignorant mothers" has been introduced as the leading cause of women's misery.

How To Cite: Baghdar Delgosha, Ali (2022). Critique of Social Structures in Women's Fiction 1909-1931. *Women in Culture & Art*, 14(4), 565-597.

Publisher: University Of Tehran Press.





فصلنامه زن در فرهنگ و هنر

سال ۱۴، شماره ۴
زمستان ۱۴۰۱، ۵۶۵-۵۹۷



نقد ساختارهای اجتماعی در داستان‌نویسی زنان (۱۲۸۹-۱۳۱۱)

علی باغدار دلگشا

دکتری تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران. رایانامه: ali.b.delgosha@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۹ خرداد ۱۴۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۲ تیر ۱۴۰۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: داستان‌نویسی زنان، مطالبات اجتماعی، مطبوعات زنان، نابرابری‌های اجتماعی، مادران نادان.</p>	<p>هم‌زمان با انتشار مطبوعات زنان از سال ۱۲۸۹ شمسی، شرایطی فراهم شد تا زنان بتوانند علاوه بر نقد بیشتر ساختارهای اجتماعی از زبان جدید مانند شعر و داستان نیز برای طرح دیدگاه‌های خود استفاده کنند. پژوهش پیش‌رو که به روش کیفی با استفاده از فن تحلیل محتوا و با تأکید شاخص بر متون داستانی مندرج در مطبوعات زن‌نگار منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ (سال انتشار نخستین روزنامه زنان) تا سال ۱۳۱۱ (سال آخر انتشار جریده عالم نسوان) گردآوری شده به این پرسش پاسخ می‌دهد که زنان در مکتوبات داستانی خود به طرح چه موضوعاتی پرداخته‌اند؛ مهم‌ترین خواسته آنان چه بوده و چه چیزی را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل انقیاد زنان معرفی کرده‌اند. برشماری کامل و غیرگزینشی جراید زن‌نگار در دوره مورد بحث، شامل ۱۶۷ شماره نشریات زن‌نگار برابر با ۴۴۰۱ برگ مطبوعاتی نشان می‌دهد در ۶۷ داستان زن‌نویس منتشرشده در اوراق مطبوعاتی زنان در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا سال ۱۳۱۱ شمسی، موضوع محوری این متون داستانی حقوق زنان در امر ازدواج-زندگی و طلاق، نقد ازدواج اجباری، ازدواج زود هنگام (کودک‌همسری) و نقد تعدد زوجات است. همچنین رفتار مادران نادان، اصلی‌ترین عامل تیره‌بختی زنان معرفی شده است.</p>
<p>استناد به این مقاله: باغدار دلگشا، علی (۱۴۰۱). نقد ساختارهای اجتماعی در داستان‌نویسی زنان (۱۲۸۹-۱۳۱۱). زن در فرهنگ و هنر، ۱۴(۴)، ۵۶۵-۵۹۷.</p>	
<p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران</p>	

مقدمه

دوره تاریخی مشروطه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ادوار تجددگرایی در ایران، نقشی اساسی در ایجاد تحولات و تحقق تغییرات اجتماعی داشته است. با شکل‌گیری فهم اجتماعی از مشروطه که مطبوعات نقشی مهم در شکل‌گیری آن داشتند، «امور نسوان» از زبان خود زنان در قالب مکتوب‌نگاری‌های مطالبه‌گرایانه زنان مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت. نمونه شاخص این امر را در مکتوبات زنان در روزنامه *ایران‌نو* در فاصله سال‌های ۱۲۸۸ شمسی به بعد (باغدار دلگشا، ۱۴۰۰: ۳۱-۷۰) و بسیاری دیگر از جراید می‌توان مشاهده کرد. یکی از رخداد‌های تحول‌آفرین در این دوره، انتشار جراید زنان برای نخستین بار بود. در این دوره و در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۴ شمسی جرایدی مانند *دانش*، *شکوفه*، *زبان زنان*، *نامه بانوان*، *عالم نسوان*، *جهان زنان*، *مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران* و *نسوان شرق* انتشار یافتند؛ جرایدی که موضوع محوری تمامی آن‌ها مسائل زنان است، البته با اتخاذ دیدگاه‌ها و روش‌های متفاوت در طرح موضوع (باغدار دلگشا، ۲۰۱۹: ۶۱-۸۴).

بهره‌گیری از زبان نو برای طرح مسائل اجتماعی، دیگر ایده نوینی بود که ابتدا در قالب مکالمات خیالی و پس از آن در قالب متون داستانی در جراید این دوره ظهور یافته است. در این دوره زمانی، زنان با بهره‌گیری از زبان داستان به طرح مسائل و مطالبات اجتماعی خود در جراید زن‌نگار پرداخته‌اند؛ نمونه‌های متعددی از این داستان‌های زن‌نویس را در جراید منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۱ شمسی می‌توان مشاهده کرد.

منبع‌شناسی پژوهش حاضر نیز عبارت است از برشماری کامل و غیرگزینشی مطبوعات زنان در دوره زمانی مورد بحث (۱۲۸۹ تا ۱۳۱۱). در این پژوهش، تمامی شمارگان ده عنوان جراید تخصصی زنان با نام‌های *دانش*، *شکوفه*، *زبان زنان*، *نامه بانوان*، *جهان زنان*، *عالم نسوان*، *مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران*، *نسوان شرق*، *پیک سعادت نسوان* و *دختران ایران* مورد بررسی غیرگزینشی قرار گرفتند. این جراید، تمامی نشریات تخصصی زنان هستند که در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۱ شمسی در ایران منتشر شده‌اند. موارد مورد بررسی عبارت‌اند از ۱۶۷ شماره نشریات زن‌نگار برابر با ۴۴۰۱ برگ مطبوعاتی.

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات متعدد و متنوعی در خصوص مسائل زنان در دوره قاجار در داخل و خارج از کشور منتشر شده است. از پژوهش‌های کارگروه «نگرش و نگارش زن» در شیکاگو در سال‌های ۱۹۹۰ میلادی با محوریت افسانه نجم‌آبادی، محمد توکلی طرقي و ژانت آفاری تا مقالات مندرج در نشریه نیمه دیگر در آمریکا و بسیار تحقیقات دیگر تا به امروز که تشریح تک‌تک آن‌ها در این تحقیق نمی‌گنجد. باین حال در برخی تحقیقات به موضوع داستان‌نگاری زنان توجه شده است که به‌صورتی

مشخص تر به عنوان پیشینه‌های پژوهش حاضر می‌توان به معرفی آن‌ها پرداخت:

در مقاله «نشریات و داستان‌های زنان» مندرج در ضمیمه نامه فرهنگستان به تشریح ویژگی‌های برخی متون داستانی زنان پرداخته شده است. نویسنده بر این نظر است که رمان‌نویسی و داستان‌نگاری زنان در ایران در ابتدا تحت تأثیر رمان‌های اجتماعی مردان بوده و زنان نخستین داستان‌ها و رمان‌های خود را با مضمون فریب‌خوردن دختران و گرفتارشدن آنان در دام عشق جوانان به نگارش درآورده‌اند (نامه فرهنگستان، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

در مقاله «نخستین داستان‌های زنان در ژانر مطبوعات» ویژگی‌های داستان‌های مندرج از زنان در مطبوعات زن‌نگار دوره قاجار و پهلوی اول به‌عنوان دوره گذار از رویکردهای سنتی به مدرن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مقاله مذکور پنجاه داستان زن‌نگار مندرج در روزنامه *عالم نسوان* به قلم دلشاد خانم چنگیزی مطالعه و از آن میان به‌صورت گزینشی ده داستان در متن مقاله بررسی شده است. همچنین در بخش مطبوعات زنان از دو مجله با عنوان «مجمع انقلاب نسوان» و «دختر ایران» نام برده شده است (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰، ۶۴، ۶۸، ۷۰). بررسی تمامی شمارگان منتشرشده از نشریه *عالم نسوان* از میزان ۱۲۹۹ شمسی به‌عنوان سال انتشار نخستین شماره آن نشریه تا آبان ماه ۱۳۱۱ شمسی به‌عنوان انتشار آخرین شماره نشریه *عالم نسوان* با عنوان شماره ۶ از سال ۱۲ نشان می‌دهد که برخلاف ادعای نگارندگان مقاله، تنها ۳۳ داستان به قلم شخصی با نام «دلشاد»، «دلشاد خانم»، «دلشاد چنگیزی» یا «دلشاد خانم چنگیزی» در نشریه *عالم نسوان* منتشر شده است، نه ۵۰ داستان. همچنین این نام‌ها نام‌های مستعار یک مرد است نه نام حقیقی یک زن و نمی‌توان نمونه‌های این متن داستانی را ذیل داستان‌نویسی زنان تعریف کرد. همچنین «مجمع انقلاب نسوان» که به‌عنوان نام مجله‌ای از زنان مورد استفاده قرار گرفته، نام انجمنی از انجمن‌های زنان است. نام صحیح مجله «دختر ایران» نیز «دختران ایران» است.

یاسمن رستم‌کلائی نیز در مقاله «برنامه گسترده برای زنان ایران نو» به تشریح برخی داستان‌های زن‌نگار مندرج در نشریه *عالم نسوان* پرداخته است (۱۳۸۳: ۲۳۵-۲۷۰). *زنان نمایشنامه‌نویس در ایران* (کارزی، ۱۳۸۴) و *روند دگرگونی ادبیات نمایشی زنان ایران از ۱۲۸۹ تا ۱۳۵۷* (نظرزاده، ۱۳۹۹) نیز دو تحقیقی هستند که به موضوع داستان‌نویسی زنان در ایران پرداخته‌اند. تحقیق حاضر از دو جهت با مطالعات پیشین دارای تفاوت است: ۱. منابع مطبوعاتی مورد استفاده در این پژوهش برشماری کامل (غیرگزینشی) شده‌اند و ۲. با رویکردی جامعه‌شناختی (جامعه‌شناسی تاریخی)، به بررسی نقد ساختارهای اجتماعی مطرح‌شده در این متون داستانی پرداخته است.

چارچوب نظری و روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی

عمدتاً روش‌شناسی پژوهش‌ها به دو گروه کلی کمی و کیفی از یکدیگر متمایز می‌شوند. روش

تحقیق کمی بر پایه نظریه است و در آن به طرح فرضیه یا فرضیات پرداخته می‌شود. این فرضیه‌ها نیز در بخش نتیجه‌گیری مورد سنجش درستی یا نادرستی قرار گرفته و نتایج آن نیز قابل تعمیم به کل جامعه است. روش تحقیق کیفی بر پایه مدل مفهومی و دارای پرسش یا پرسش‌هایی است. این مدل فرضیه‌ای ندارد و قابل تعمیم به کل جامعه نیست. با توجه به تعاریف ارائه‌شده، پژوهش حاضر به روش کیفی گردآوری شده است. فن مورد استفاده تحلیل محتوا است. در این بررسی‌ها از الگوهایی مانند مخاطب‌شناسی، بافت موقعیت کلمات، شناخت نقش‌های اجتماعی و ضریب تکرار واژه‌ها نیز استفاده شده است. برای تحلیل عناصر داستانی نیز موضوعاتی نظیر مخاطب‌شناسی، شخصیت‌شناسی، زاویه روایت، زمان‌پردازی و مکان‌پردازی مورد توجه قرار گرفته است.

نمونه مورد مطالعه (برشماری کامل داده‌های موجود)

مستندات مورد مطالعه در پژوهش حاضر نیز شامل تمامی متون داستانی است که توسط زنان در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ (سال انتشار اولین نشریه زنان در ایران) تا سال ۱۳۱۱ (سال آغاز محدودیت برای فعالیت‌های مطبوعاتی زنان و انتشار آخرین شماره نشریه عالم نسوان) در نشریات زن‌نگار به چاپ رسیده‌اند. استخراج این متون داستانی از خلال بررسی غیرگزینشی تمام اوراق موجود جراید زنان در دوره زمانی مورد بحث صورت پذیرفته است. بخشی از این اوراق مطبوعاتی در مراکز آرشیوی داخل کشور مانند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی در دسترس هستند و عمده آن‌ها نیز در مراکز آرشیوی خارج از کشور مانند سایت دنیای زنان در عصر قاجار وابسته به دانشگاه هاروارد در آمریکا و سایت کتابخانه مرکزی دانشگاه بن در آلمان در دسترس قرار دارند. نمونه‌های این داستان‌ها گاه در پاورقی جراید و گاه در متن اصلی درج شده است؛ برای مثال تمامی پرده‌ها و بخش‌های داستان رقت‌انگیز مندرج در روزنامه زبان زنان در پاورقی صفحات ۲ تا ۴ شمارگان این نشریه به چاپ رسیده است (زبان زنان، ۱۳۳۸ ق، سال ۱، شماره ۲؛ همان: سال ۱، شماره ۳؛ همان، سال ۱، شماره ۴؛ همان، سال ۱، شماره ۵؛ همان، سال ۱، شماره ۶). همچنین در مطبوعاتی مانند مجله پیک سعادت نسوان و مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، این متون داستانی بدون تعیین مکانی معین در میان دیگر مکتوبات با موضوعات متعدد جای گرفته‌اند (مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، ۱۳۰۲، سال ۱، شماره ۲: ۱۰؛ همان، ۱۳۰۴، سال ۱، شماره ۹: ۷؛ مجله پیک سعادت نسوان، ۱۳۰۶، سال ۱، شماره ۱: ۱۱-۱۶). در میان جراید مورد بررسی در این دوره، تنها جریده عالم نسوان است که متون داستانی آن عمدتاً در بخش معینی با عنوان «ادبیات» و «ما و ادبیات» به انتشار رسیده‌اند. بیشتر این متون داستانی، فاقد نام نویسنده هستند و از طریق

اصطلاحاتی که نویسنده داستان در آن‌ها بر من زنانه خود تأکید داشته است، می‌توان به زن بودن نویسنده داستان پی برد. به‌جز نمونه‌های داستانی مانند «وداع» مندرج در نشریه دانش، «گفت‌وگوهای پربوش و مهرآسا» مندرج در مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران و «داستان رقت‌انگیز» در روزنامه زبان زنان که داستان‌هایی چندبخشی و انتشاریافته در چندین شماره از این مجلات هستند. مابقی داستان‌ها تک‌بخشی‌اند و در یک شماره نشریات طرح شده‌اند. با بررسی غیرگزینشی نشریات زن‌نگار منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۱، در مجموع ۶۷ متن داستانی یافت شد که همگی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. بیشتر این داستان‌ها تک‌بخشی و دارای زبانی ساده و همه‌فهم هستند. کمتر جنبه‌های زیبایی‌شناختی ادبی، فصاحت و بلاغت دارند و موضوع محوری بیشتر آن‌ها نیز اختصاص به مسائل اجتماعی زنان به‌خصوص محورهایی مانند ازدواج اجباری و کودک‌همسری دارند؛ موضوعی که از ساخت اجتماعی زمان خود اثرپذیری داشته است. بررسی جامعه‌شناختی متون داستانی زن‌نگار نشان می‌دهد مطبوعات نخستین منابعی بوده‌اند که زنان به نگارش متون داستانی خود در آن‌ها پرداخته‌اند. در میان مطبوعات این دوره نیز برخی جراید تخصصی زنان مانند زبان زنان (۱۲۸۹-۱۳۰۰)، عالم نسوان (۱۲۹۹-۱۳۱۱)، مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران (۱۳۰۲-۱۳۰۴) و مجله پیک سعادت نسوان (۱۳۰۷) نسبت به دیگر جراید زن‌نگار توجه بیشتری به انتشار متون داستانی زنان داشته‌اند.

پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر از خلال تحلیل و بررسی ۶۷ متن داستانی یافت‌شده، به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. زنان ایرانی ضمن استفاده از زبان نو با نام داستان برای طرح مسائل اجتماعی، به طرح چه موضوعاتی در متون داستانی خود پرداخته‌اند؟
۲. مخاطب اصلی در داستان‌های زن‌نویس چه کسی یا کسانی هستند؟
۳. مسائل اجتماعی مطرح‌شده در این متون چه میزان با نگاه انتقادی به نگارش درآمده‌اند و دارای بینش مسئله‌محور هستند؟
۴. مطالب زن‌نویس مندرج در این متون داستانی چه اثری از جامعه پذیرفته‌اند و چه اثری بر ساخت اجتماعی داشته‌اند؟

داستان‌نویسی زنان در مطبوعات زن‌نگار از ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۱ شمسی

سیر نگارش داستان‌هایی با موضوع نقد اجتماعی، در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار آغاز شده است. شاید بتوان میرزا فتحعلی آخوندزاده را نخستین نویسنده‌ای دانست که در این دوره با نگارش

داستان‌ها و نمایشنامه‌هایی نظیر ستارگان فریب‌خورده و وزیر خان لنگران به نقد ساختارهای اجتماعی در ظرف زمانی خود پرداخته است. پس از آن در داستان‌هایی دیگری مانند کفن سیاه اثر میرزاده عشقی که برای نخستین بار در روزنامه نامه بانوان به انتشار رسید (نامه بانوان، ۱۲۹۹، سال ۱، شماره ۱: ۸-۶)، روزگار سیاه (خلیلی، ۱۳۰۳: ۱۲-۸۹)، رمان شهناز (دولت‌آبادی، ۱۳۰۵)، تهران مخوف نگارش ۱۳۰۵ (مشفق کاظمی، ۱۳۰۹) با اثرپذیری از واقعیات جامعه به موضوع مفاسد درون جامعه ایران در اواخر قاجار و اوایل پهلوی و محورهایی مانند فاحشگی زنان و علل آن، عشق‌های نافرجام زنان، ازدواج‌های اجباری و ناآگاهانه زنان، کودک‌همسری و طمع شهوت‌رانی مردان، نقد پوشش سنتی زنان، شرح بیچارگی زنان مسلمان و انتقام از جنس مرد پرداخته شده است. در این داستان‌های مردنگار، مسائل اجتماعی با محوریت زنان مورد بحث و نظر قرار گرفته‌اند و زنانی نظیر سکینه خانم در داستان وکلای مرافعه (آخوندزاده، بی‌تا: ۶-۲۳)، مهرانگیز در داستان عروسی مهرانگیز (اسکندری، ۱۳۲۸ ق: ۳)، سارا خانم در نمایشنامه آقا هاشم خلخال (تبریزی، بی‌تا: ۴۸-۸۹)، جمیله در نمایشنامه دهشت جنگ یا میدان دهشت و فروزان در نمایشنامه حق با کیست (یقیکیان، ۱۳۸۰) و خسرو دخت، مهین، شهناز و پروین به نقش‌آفرینی اجتماعی پرداخته‌اند.

در این دوره زمانی، زنان نیز داستان‌هایی را با محوریت نقد ساختارهای اجتماعی به نگارش درآوردند: داستان‌هایی زن‌نگار با شاخص موضوعی مسائل اجتماعی زنان در ایران سال‌های انتهایی دوره قاجار و دوران رضاشاه. نخستین نمونه‌های این داستان‌ها را در دو نشریه دانش و زبان زنان با نام‌های «وداع» و «داستان رقت‌انگیز» می‌توان مشاهده کرد (زبان زنان، ۱۲۹۹، سال ۱، شماره ۶: ۲-۳؛ دانش، ۱۳۲۸ ق، سال ۱، شماره ۲: ۲).

پس از این دوران نیز زنان داستان‌های خود را به‌جای درج در مطبوعات به‌صورت کتاب مستقل به چاپ رسانده‌اند؛ برای نمونه در سال ۱۳۰۹ کتاب داستان دختر بیچاره و جوان بلهوس به انتشار رسید. موضوع کتاب شرح حال دختری است که ناخواسته فریب جوانی بلهوس را خورده است. این دختر چند روزی را با پسری سپری می‌کند و زمانی که متوجه اشتباه و فریب خود می‌شود و می‌خواهد با پشیمانی به آغوش خانواده برگردد، خانواده سنتی و عرفی‌اش دیگر پذیرای او نیستند. در این داستان به نقش جهالت پدر و مادرها پرداخته شده و مادران نیز جنایتکارانی مودی معرفی شده‌اند (تیمورتاش، ۱۳۰۹: ۱۵-۴۸). داستان پروین و پرویز دیگر متن داستانی زن‌نگار است که به توصیف رخداد‌های اجتماعی پس از انقلاب مشروطه پرداخته است. محور اصلی داستان نیز گفت‌وگوهایی است میان دو دوست با نام‌های پروین و بتول با موضوع تلاش پروین برای غلبه بر سنت و رفتارهای اجتماعی (کیا، ۱۳۱۲: ۳۴-۸۷). رهبر دوشیزگان یا داستان ژاله، دیگر اثری است با فحوی متنی داستان در قالب گفت‌وگو میان ژاله و لاله، دو خواهری که

در قالب فرزندخواندگی با دو سبک تربیتی سنتی-خرافی و مدرن پرورش یافته‌اند (کیا، ۱۳۱۵: ۹۷-۱۲). در این متون داستانی زن‌نگار که نمونه‌های آن ابتدا در پاورقی و متن اصلی جراید زنان منتشر شده‌اند و بعد به صورت کتاب به انتشار رسیده‌اند، مسائل اجتماعی زنان با محوریت ازدواج به بحث و نقد گذاشته شده‌اند.

جدول ۱. اطلاعات کلی برخی داستان‌های زن‌نویس در جراید زنان (۱۲۸۹-۱۳۱۱)

عنوان داستان	نگارش	زمان‌پردازی داستان	شخصیت اصلی	صحنه داستان
وداع	۱۲۸۹ ش	دوره قاجار	زینده خانم	خانه
داستان رقت‌انگیز	۱۲۹۹ ش	اواخر قاجار	نصرت و طلعت	امامزاده
یک دختر ایرانی	۱۳۰۰ ش	اواخر قاجار	ماهرخ	فضای عمومی
گفت‌وگوهای دو دخترک بدبخت	۱۳۰۰ ش	اواخر قاجار	مهتری و مهین	خیابان
مکالمه دو نفر شاگرد مدرسه	۱۳۰۲ ش	اواخر قاجار	پریوش و مهرآسا	پارک
گفت‌وگوهای سحرناز و سروناز	۱۳۰۵ ش	اوایل دوره رضاشاه	سحرناز و سروناز	مدرسه
خواستگار	۱۳۰۵ ش	اوایل دوره رضاشاه	عفت	خانه
پروین و سرنوشت اجباری‌اش	۱۳۰۷ ش	ایران قبل از اسلام	پروین و دخت کسرا	تخت جمشید
مادر نادان و مرد بانصاف	۱۳۰۷ ش	اوایل دوره رضاشاه	فخری و پری	دبستان معرفت
گفت‌وگوی دخترک با مادر نادانش	۱۳۰۸ ش	دوره ناصری	دختر و مادر	خانه
نصیحتی به مادران و دختران	۱۳۰۸ ش	زمان‌پردازی در آینده	مهرانگیز	مدرسه
ازدواج هما و هوشنگ	۱۳۰۹ ش	دوره پهلوی اول	هما و هوشنگ	راه مدرسه
نالامدی امید	۱۳۰۹ ش	دوره پهلوی اول	زن بیچاره	پارک
مکالمات دخترک صدیق	۱۳۰۹ ش	از مشروطه تا ۱۳۰۹	صدیقه خانم	پارک
مکالمه پروانه و پری‌رخ	۱۳۰۹ ش	دوره پهلوی اول	پروانه و پری‌رخ	مدرسه
مکالمه خاتون ایرانی	۱۳۰۹ ش	دوره سلجوقیان	خاتون خانم	عالم رؤیا
زندگی من	۱۳۱۰ ش	مشروطه تا ۱۳۱۰ ش	فخرالزمان	مجمع زنان
ازدواج اجباری	۱۳۱۰ ش	دوره پهلوی اول	دخترک	فضای عمومی
اندرز دختر بیچاره به دختران آینده	۱۳۱۱ ش	زمان‌پردازی در آینده	دختر بیچاره	مدرسه

متون داستانی زن‌نگار مندرج در جراید زنان از نظر زبانی تفاوت‌های سبکی در مقایسه با یکدیگر را دارا هستند. البته این تفاوت‌ها از نظر موضوع در کمترین سطح تمایز هستند. از نظر سطح و حجم، برخی داستان‌ها در چندین بخش پیوسته به نگارش درآمده‌اند، مانند «داستان رقت‌انگیز» مندرج در روزنامه زبان زنان. این داستان را طولانی‌ترین داستان زن‌نگار مندرج در مطبوعات در دوره مورد بحث در پژوهش حاضر می‌توان معرفی کرد (داستانی در ۹ بخش و معادل ۸۷۷۲ کلمه). این داستان در پاورقی شمارگان نشریه زبان زنان در هر نوبت بین ۱۶ تا ۲۵ درصد حجم کل یک شماره را به خود اختصاص داده است (زبان زنان، ۱۳۳۸ ق، سال ۱، شماره ۲؛ همان، ۱۳۳۸ ق، سال ۱، شماره ۳؛ همان، سال ۱، شماره ۴؛ همان، سال ۱، شماره ۵؛ همان،

سال ۱، شماره ۶). داستان «مکالمات مهرآسا و پرپوش» نیز داستانی دوبخشی است (مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، ۱۳۰۲، سال ۱، شماره ۲: ۱۰). بسیاری دیگر از داستان‌های زن‌نگار مندرج در نشریه *عالم نسوان* نیز عمدتاً داستان‌هایی تک‌بخشی و بسیار کوتاه هستند (عالم نسوان، ۱۳۰۰، سال ۱، شماره ۵؛ همان، ۱۳۰۱، سال ۳، شماره ۲؛ همان، ۱۳۰۶، سال ۷، شماره ۵).

جدول ۲. واژه‌های پرتکرار در عناوین داستان‌های زن‌نویس در جراید زنان (۱۳۱۱-۱۳۸۹)

ردیف	واژه	تعداد تکرار	نمونه‌های داستانی
۱	دختر/ دخترک	۱۹	«ما را هم دختر می‌گفتند» «دخترکی که یکبار هوشو شد»
۲	مکالمه/ گفت‌وگو	۱۵	«مکالمه دو نفر شاگرد مدرسه: پرپوش و مهرآسا» «گفت‌وگوهای سحرناز و سروناز»
۳	ازدواج	۱۱	«ازدواج هما و هوشنگ» «ازدواج اجباری»
۴	اجبار/ اجباری	۶	«پروین و سرنوشت اجباری‌اش» «ازدواج اجباری مسبب بدبختی: گفت‌وگوی دو دخترک بدبخت»
۵	مادر/ مادران	۶	«گفت‌وگوی دخترک با مادر نادانش» «مادر نادان و مرد بانصاف»

اهمیت واژه‌ها و اصطلاحات استفاده‌شده در عنوان از آن جهت است که معمولاً نویسنده یا نویسندگان سعی می‌کنند مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوع و دغدغه خود را در عنوان نشان دهند. این عنوان‌گزینی را در عناوین کتاب‌ها و مطبوعات نیز می‌توان مشاهده کرد؛ زنان نیز در عناوین مطبوعاتی خود از واژه‌هایی مانند بانوان، نسوان و زنان بهره برده‌اند تا بر «جنس زن» تأکید ورزند، عناوین نشریاتی مانند «نامه بانوان»، «جهان زنان»، «زبان زنان»، «عالم نسوان»، «نسوان شرق» و «پیک سعادت نسوان».

زنان در داستان‌های خود از واژه‌هایی مانند «دخترک»، «مکالمه»، «ازدواج»، «اجبار» و «مادر/مادران» به‌صورتی شاخص استفاده کرده‌اند (عالم نسوان، ۱۳۰۰، سال ۲، شماره ۳: ۳۳؛ همان، ۱۳۱۰، سال ۱۱، شماره ۳: ۱۰۵). در این عنوان‌ها واژه «دختر» بارها به‌کار رفته است. این موضوع در نظر ارائه‌دهندگان و نویسندگان زن به این معنی می‌تواند باشد که زنان از همان سنین کودکی با مسائل اجتماعی و ساختارهای جنسیت‌زده مواجه می‌شوند. همچنین میزان تقدم استفاده از واژه «دخترک» در برابر «دختر» نشان‌دهنده توجه و تأکیدشان بر موضوع «بدبختی» و اتخاذ رویکردهای ترحمی و تأسفی و همچنین سنین کودکی می‌تواند باشد. بهره‌گیری از واژه «مکالمه» و «گفت‌وگو» نیز نشان‌دهنده تلاش برای انتقال تجربیات زیسته و ایجاد زمینه‌های نزدیکی و گفت‌وگوهای درون‌نسلی است (مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، ۱۳۰۲، سال ۱،

شماره ۲: ۱۰-۱۲؛ عالم نسوان، ۱۳۰۴، سال ۵، شماره ۶: ۳۳-۳۷). نکته مهم آن است که در بسیاری از این داستان‌ها به صورتی گسترده و ساختارمند از ضمیر «ما» به عنوان ضمیر اتحاد بخش استفاده شده است. به کارگیری دو واژه «ازدواج» و «اجبار» و هم‌آمیختگی جمله-عبارات میان آن‌ها نشان می‌دهد که موضوع ازدواج اجباری یکی از مهم‌ترین و اولویت‌دارترین مباحثی است که زنان داستان‌نویس در داستان‌های خود به آن توجه داشته‌اند.

بررسی‌های انجام‌شده و تحلیل محتوایی و متنی مجموع ۶۷ داستان زن‌نگار از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۱ شمسی نشان می‌دهد هرچه از سال‌های نخستین نگارش متون داستانی زنان و دوره قاجار فاصله گرفته می‌شود و به میانه دوره پهلوی اول نزدیک‌تر می‌شویم. این متون در سه محور تغییرات بیشتری را در خود ظاهر ساخته‌اند:

۱. بیشتر شدن تعداد داستان‌هایی که نام نویسندگان زن در انتهای آنان درج شده است؛
۲. توجه بیشتر به موضوعاتی مانند برابری اجتماعی، انتخاب و قدرت تصمیم‌گیری در مسئله ازدواج؛
۳. توجه به موضوع ترجمه و بهره‌گیری از داستان‌های نوشته‌شده به زبان غیرفارسی با موضوع مسائل اجتماعی زنان.

تأثیر متقابل ساختار اجتماعی و داستان‌های زن‌نویس

بررسی تاریخی نشان می‌دهد مطالب و موضوعات مندرج در متون داستانی زنان، از شرایط اجتماعی جامعه ایران اثرپذیری داشته‌اند. روایات مندرج در آثاری مانند *تأدیبات‌النسوان*، *آداب مردی*، *معایب‌الرجال*، مطبوعات انتقادی نظیر *مالانصرالدین* و همچنین ستون چرند و پرند در روزنامه *صوراسرافیل* به انضمام مکالمات خیالی مانند *حمام جلیان* مندرج در *روزنامه تمدن‌ساخت اجتماعی جامعه ایران* در سال‌های اواخر دوره قاجار را نشان می‌دهد؛ ساختی اجتماعی که در آن، زنان در مقایسه با مردان جایگاهی فرودستانه دارند؛ زن مطیع مرد است (استرآبادی، ۱۳۷۱: ۴۹) و با الفاظی مانند ضعیفه خطاب می‌شود و محروم از حق تحصیل است (تمدن، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ق: ۴)، ناقص‌العقل خطاب می‌شود (تأدیبات‌النسوان، ۱۹۹۲: ۳۳) و حتی با نام فرزند ذکور خویش در جمع صدا زده می‌شود (صوراسرافیل، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ق: ۷). این زنان در ساختار سنتی ازدواج می‌کردند و کمترین نقش اجتماعی و قدرت تصمیم‌گیری را در فرآیند ازدواج خویش داشتند و در بسیاری موارد نیز ازدواج در سنین کم را تجربه می‌کردند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۱۳؛ دالمانی، ۱۳۷۸: ۲۵۳)، در این ازدواج‌ها نیز گاه مجبور به ازدواج با مردی می‌شدند که سنی مانند پدر یا پدربزرگ آنان نیز داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۸۲۳-۸۲۴؛ بهرامی، ۱۳۶۳: ۲۲۰-۲۲۳؛ تاج‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۱۰۹)؛ زمانی که توسط شوهران خویش مورد ستم قرار گرفته و گاه تعدد زوجات را تجربه می‌کردند، به دلیل نبود مرجع قانونی مناسب و وابستگی اقتصادی‌شان به

شوهرانشان، تنها امکان رقابت با هووی خویش را داشتند، صبر اجباری در پیش می‌گرفتند و می‌ساختند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مسئله ازدواج زنان و نداشتن قدرت انتخاب (تصمیم آنان در امر ازدواج به انضمام سن نامناسب ازدواج که عمدتاً برای زنان، کودک‌همسری و پس از آن تجربه کودک‌مادری را به همراه داشته است)، یکی از محوری‌ترین موارد رایج در ساخت اجتماعی جامعه ایران بوده است (قائم‌مقامی، ۱۳۴۵: ۷۰). زنان روزنامه‌نگار نیز با مشاهده این مسائل اجتماعی در مطبوعات به طرح مباحثی مانند نقد روش ازدواج پرداختند و با طرح مباحثی مانند سن مناسب ازدواج، «فلسفه زن‌شوهری» (شکوفه، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ ق: ۳) و «مضرات ازدواج هنگام صباوت» (مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، جوزا ۱۳۰۳ ش: ۱) به تلاش برای نقد ساختار اجتماعی و ارائه راه‌حل مناسب برای حل این مسئله اجتماعی مبادرت ورزیدند. زبان داستان نیز یکی از روش‌هایی بود که زنان برای انتقال آگاهی به جامعه از آن استفاده کردند و در این میان، مطبوعات زن‌نگار نیز مهم‌ترین منبعی بودند که این متون داستانی در آن‌ها به انتشار می‌رسید. متونی که در ظاهر داستانی‌اند، اما فحوی متنی آن‌ها متأثر از واقعیات اجتماعی آن ظرف زمانی و هدف از نگارش آن‌ها نیز آگاه‌کردن جامعه برای تغییر است؛ تغییری که نمونه‌هایی از اثرگذاری این متون داستانی بر ساختار اجتماعی را در دو مورد محوری می‌توان مشاهده کرد: ۱. توجه دیگر مطبوعات -جراید غیرزن‌نگار- به موضوع کودک‌همسری و مسائل مربوط به ازدواج زنان در ایران و ۲. قوانین مدون مربوط به ازدواج در قانون‌های سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۳ که به تعیین سن ازدواج ۱۳ و پس از آن ۱۵ سال برای دختران منجر شد (ر.ک: قانون ازدواج، مصوبه ۲۳ مرداد ۱۳۱۰: ماده ۳؛ قانون مدنی، جلد ۲، مصوبه ۲۸ بهمن ۱۳۱۳: ماده ۱۰۴۱).

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد زنان داستان‌نویس در نگارش‌های خود به تشریح و گزارش سرنوشت چهره‌ها و افراد پرداخته‌اند. این متون داستانی، سطحی از زیست‌نامه‌نویسی را نشان می‌دهند؛ زیست‌نامه‌ای که در ساختار متنی داستانی به نگارش درآمده‌اند. این داستان‌ها شرح عقب‌ماندگی، ساختارهای اجتماعی نامعقول و البته جنسیت‌زده جامعه را به ترتیب نقد و نفی کرده‌اند. در دوگانه واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، جنبه‌های واقعی بر ساختار آرمانی در متن داستان‌ها مقدم است و به‌جای درج بازتاب‌های تخیلی، واقعیات اجتماعی انعکاس یافته‌اند. از نظر زبانی نیز دارای زبانی محاوره و همه‌فهم‌اند (عالم‌نسوان، ۱۳۰۴، سال ۵، شماره ۶؛ دختران ایران، ۱۳۱۰، سال ۱، شماره ۱).

درون‌مایه متنی (کلیات موضوعی)

زنان در این دوره زمانی (۱۲۸۹-۱۳۱۱ شمسی) از قالب متن داستانی برای موضوعاتی نظیر

تداوم طرح مطالبات اجتماعی زنان، نقد ساختارهای اجتماعی و تلاش برای رعایت حقوق اجتماعی زنان استفاده کرده‌اند. این داستان‌ها نیز بیشتر با هدف گزارش خبری به نگارش درآمده‌اند. از این‌رو، روایتگری‌های مندرج در این متون دارای نقشی استدلالی هستند. علاوه بر ساختار استدلالی، داستان‌ها بیشتر دارای جنبه نصیحتی، آموزندگی، توصیه‌ای و تعلیمی هستند. ضدیت آشکار اما نومیدانه قهرمانان داستان با رسم‌های سنتی و قراردادهای اجتماعی عرف‌گرایانه در ظرف زمانی نگارش داستان‌ها، نشان‌دهنده درگیری نسل‌ها و گفت‌وگوهای درون نسلی است. درگیری نسل‌ها شامل تقابل باور دختران جوان و تحصیل‌کرده با باور «مادران نادانی» است که تحصیل نکرده‌اند و مخالف تحصیل دختران خود نیز هستند (زبان زنان، ۱۳۹۹، سال ۲، شماره ۶: ۴). گفت‌وگوهای درون‌نسلی نیز شامل صحبت میان دختری است عقب‌مانده از تحصیل که با تن‌دادن به ازدواجی اجباری از نظر خودش «بیچاره» شده است؛ با دختری جوان که مشتاق تحصیل و در حال تحصیل است و پس از تحصیل در آینده می‌خواهد ازدواج را تجربه کند. اغلب این داستان‌ها توسط راوی اول شخص روایت می‌شوند. این راویان اول شخص، زنانی «بخت‌برگشته»‌اند که زیست‌نامه «بدبختی» خود را برای دختران یا زنان جوان برای پندگیری شرح می‌دهند. شخصیت‌های حاضر در این متون داستانی نیز از نظر طبقه اجتماعی متعلق به طبقه متوسط شهری هستند و زنان غیرشهری مانند زنان روستایی یا عشایر در این متون جایگاهی ندارند. زنان «بخت‌برگشته» با داشتن اندک سواد و رویکردی ناامیدانه به آینده و با بینشی حسرت‌آمیز به «گذشته نابودشده» در نقش فاعلی و گویندگی ظاهر شده‌اند و دختران جوان در حال تحصیل با رویکردی تردیدآمیز به آینده در قالب نقش مفعولی و شنوندگی.

فضاپردازی داستان‌ها نیز عمدتاً در فضایی عمومی نظیر مدرسه، بازار و خیابان رخ می‌دهد. فضای زندگی شهری نیز به دلیل سکونت نویسندگان داستان‌ها و مکان انتشار جراید زنان، در «طهران» است.

نقد ساختارهای اجتماعی به‌خصوص در مورد مسئله ازدواج در قالب ابراز مخالفت شخصیت‌های فاعلی (راویان) و مفعولی (شنونده) با رسوم اجتماعی، باورهای فرهنگی و عرفی جامعه در فحوای متنی داستان‌ها قابل مشاهده است. توجه به آینده به صورت شیفتگی به جامعه‌ای که مساوات و برابری اجتماعی میان زن و مرد در ابعاد مختلف در آن وجود دارد در بیشتر این داستان‌ها بازتاب یافته است. «جنس زن» در این مکالمات داستان‌وار، مشروعیت خود را خودش می‌سازد. زنان رنج‌کشیده و راویان داستان هرچند در ابتدای شرح‌حاشان، خود را زنانی یا دخترانی معرفی می‌کنند که تحت سلطه امرانه مادران و پدران خود و پس از آن در سایه مشروعیت شوهران «دیوصفت» و «ظالم» و گاه «شهوت‌ران» قرار داشته‌اند (عالم نسوان،

۱۳۰۶، سال ۸، شماره ۲: ۷۲-۷۳؛ همان، ۱۳۰۹، سال ۱۰، شماره ۳: ۱۱۲؛ زبان زنان، ۱۳۰۰، سال ۳، شماره ۹: ۲)، اما هرچه به میانه داستان نزدیک می‌شویم، بر استقلال نقشی آنان افزوده می‌شود و در انتهای متن نیز عمدتاً ضمن اتخاذ استقلال در نقش، دختران جوان را تشویق به تحصیل و کسب استقلال می‌کنند؛ آن‌ها جامعه را به قائل شدن اراده و تصمیم برای دختران امروز و زنان و مادران آینده، زانی خودساخته و مستقل در تصمیم‌گیری تشویق می‌کنند. در این داستان‌ها زنان به‌عنوان یک فرد اجتماعی تعریف شده‌اند؛ فردی که باید دیگران به اراده و تصمیم او احترام بگذارند و مهم‌تر از آن فردی نه فرودست و زیر دست سنت و مردان بلکه فردی برابر با مرد. البته هرچه از دوران قاجار گذر می‌کنیم و به دوران پهلوی و میانه آن نزدیک می‌شویم، از بینش برابری‌خواهانه دور می‌شویم و مواردی نظیر نگرش زن خانه‌دار-مرد شاغل، فرادستی مرد، مرد به‌مثابه رئیس خانواده و رفتارهای پدرسالاری محوریت ساختاری داستان‌ها را تشکیل می‌دهند.

بیشتر این داستان‌ها در صیغه اول شخص مفرد روایت شده‌اند. از این جهت راویان داستان را با نویسنده داستان یکی می‌توان معرفی کرد. راویان-نویسندگان در برخی داستان‌ها، شرح زندگی یا شرح مقطعی از زندگی خود را در قالب داستان به نگارش درآورده‌اند، مانند داستان‌های «داستان رقت‌انگیز» از صدیقه دولت‌آبادی (زبان زنان، ۱۲۹۸، سال ۱، شماره ۱) «ازدواج اجباری» اثر فخر عظمی ارغون (آینده ایران، ۱۳۱۰، سال ۲، شماره ۲) و «انصراف یک دختر بیچاره از ازدواج اجباری» اثر مه‌رتاج رخشان (عالم نسون، ۱۳۰۵، سال ۶، شماره ۲). این دسته از داستان‌ها عمدتاً در سه محور با همدیگر دارای همخوانی‌اند: الف) اجباری‌بودن و تن‌دادن به ازدواج آمرانه، ب) ناموفق‌بودن ازدواجشان و پ) نادانی خانواده دختر و قدرت‌طلبی و شهوت‌رانی مردان. هشدارها و اندرزها در تمامی بخش‌های این داستان‌ها راه یافته است. این داستان‌ها که شرح مقطعی از زندگی راویان-نویسندگان است، شبیه بیانیه‌ای اخلاقی-آموزشی است و جنبه عبرت‌آموزی در آن‌ها قوی است. در حقیقت «برای عبرت دختران جوان و نسون نادان» به نگارش درآمده‌اند.

در این داستان‌ها خانواده با محوریت مادران نادان و جامعه‌ای که بدون آگاهی و شناخت رفتارهای تکراری و متعصبانه را در خصوص محدودیت زنان مدام شرایط انقیادآمیزانه‌تری را برای زنان به‌وجود می‌آورد و «تصمیم» و «اختیار» آن‌ها را نادیده می‌گیرد، مورد نقد جدی قرار گرفته است.

ساختار درون‌متنی داستان‌ها نشان می‌دهد متن بسیاری از این داستان‌ها بر پایه مبارزه دوگانه خیر-شر / سعادت-بدبختی بنا شده است. در یک سمت، داستان دخترانی ساده، معصوم و فریب‌خورده براساس تصمیم‌های اجباری و ناصحیح مادران و پدرانشان قرار دارند و در دیگر سو

هم‌دستی ناآگاهانه خانواده‌های دختران با مردان قدرت‌طلب و سودجو قرار دارد که عامل «بدبختی دختران و امیدهای آینده وطن» را رقم زده‌اند. زنان در این داستان‌ها در تقابلی جایگاهی و دیدگاهی با یکدیگر قرار دارند؛ دخترانی معصوم و علاقه‌مند به تحصیل، اما جامانده از آن که زود هنگام ازدواج را تجربه کرده‌اند و گاه به سرعت مادرشدن را تجربه کرده‌اند بدون آنکه از شرایط مادر بودن اطلاعی داشته باشند یا آموزشی دیده باشند در برابر زنانی بی‌سواد و سنتی، بی‌علاقه به درس و خرافاتی. در این داستان‌ها، دخترانی که به دلیل اجبار و تصمیمات آمرانه خانواده‌هایشان «بدبختی» را تجربه کرده‌اند، با دخترانی که در نقش شنونده و طرف دوم در داستان‌ها حاضر شده‌اند، رفتاری تعاملی و نصیحت‌گرایی خیرخواهانه دارند (مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، ۱۳۰۲، سال ۱، شماره ۲: ۱۱؛ زبان زنان، ۱۲۹۹، سال ۲، شماره ۸: ۲-۴). زنان بخت‌برگشته که راویان اصلی داستان‌ها هستند، در مکالمات خود به تبلیغ کسب آگاهی و گذراندن تحصیل و آموزش قبل از ازدواج و همچنین ازدواج غیراجباری و «به‌موقع» بر محوریت «علاقه»، «تدبیر»، «انتخاب» و مبتنی بر «قدرت تصمیم» پرداخته‌اند.

پرتکرارترین موضوع مورد بحث در این داستان‌ها مسئله ازدواج است. ازدواج در دو شکل الف) ازدواج زود هنگام / کودک‌همسری و ب) ازدواج اجباری و سنتی بیشترین توجه موضوعی را در این متون به خود اختصاص داده است. در این متون، بیشترین توجه به موضوع قدرت تصمیم‌گیری زنان و حق اختیار در تصمیم‌گیری و انتخاب صورت پذیرفته است.

از مجموع ۶۷ داستان زن‌نگار یافت‌شده، ۳۸ داستان (۵۷ درصد داستان‌ها) دارای نام معین نویسنده است. همچنین ۲۹ داستان (۴۳ درصد داستان‌ها) فاقد نام معین نویسنده هستند و در انتهای داستان‌ها عباراتی مانند «امضای محفوظ»، «یک زن ایرانی» و «یکی از بانوان وطن» درج شده است. برخی زنان داستان‌نویس این متون نیز عبارت‌اند از: صدیقه دولت‌آبادی، فخرعظمی ارغون، بدرالملوک، زهت ایرانی، هما محمودی، مه‌رتاج رخشان، مریم رفعت‌زاده، ایراندخت تیمورتاش و فخرالسلطان مؤیدزاده و زنددخت شیرازی.

از نظر زمانی، هشت داستان در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۴ یعنی در سال‌های انتهایی دوره قاجار و ۵۹ داستان در فاصله سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۱ یعنی نیمه اول دوره رضاشاه به نگارش درآمده‌اند.

در داستان‌های زن‌نگار دوره قاجار، ۳۷/۵ درصد داستان‌ها (۳ داستان) دارای نام معین نویسنده و ۶۲/۵ درصد (۵ داستان) فاقد نام معین نویسنده هستند. در داستان‌های زن‌نگار دوره رضاشاه نیز ۵۶ درصد داستان‌ها (۳۳ مورد) دارای نام معین نویسنده و ۴۴ درصد (۲۶ داستان) فاقد نام معین نویسنده بوده‌اند. این تفکیک نشان می‌دهد در مقایسه دو دوره اواخر قاجار و نیمه اول دوره رضاشاه با یکدیگر و البته با توجه به نسبت حجم کل داستان‌های همان دوران، هرچه

از دوره قاجار بیشتر فاصله زمانی گرفته می‌شود نویسندگان زن جرئت بیشتری برای معرفی و درج نام خود را در انتهای داستان‌های که نگاشته‌اند می‌یابند.

از منظر ساختار جنسیتی نیز در این داستان‌ها بر «جنس زن» و لزوم استقلال نقشی او در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی‌اش تأکید شده است. در این داستان‌ها معمولاً نگرش‌های مردسالارانه تأیید نشده و تلاش برای برابری حقوق زنان و مردان در امر ازدواج مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از این داستان‌ها دختران جوان هرچند به دلیل عدم اراده و تصمیم و به صورتی «اجباری» و آمرانه و عمدتاً به دلیل نادانی مادرانشان «کاری تلخ را تجربه» کرده‌اند، اما در ادامه و انتهای داستان براساس تجربه خودشان و آگاهی‌هایی که دختران شنونده اما تحصیل کرده به آن‌ها می‌دهند، برای ادامه زندگی خود تصمیماتی مستقل می‌گیرند، مانند ناپدیدشدن، مهاجرت و ادامه زندگی در شهری دیگر، جداسدن از همسر و تلاش برای ازدواجی مجدد بر پایه تصمیم و اراده.

جدول ۳. واژه‌های پرتکرار در متن داستان‌های زن‌نویس در جراید زنان (۱۲۸۹-۱۳۱۱)

ردیف	واژه	تعداد تکرار	توضیحات
۱	من / م	۳۵۷	تأکید بر من فردی در عناوین برخی داستان‌ها مانند: «زندگی من» و در متن داستان‌های متعدد در قالب تأکید بر اول شخص مفرد که خود شخص اصلی داستان است، تأکیدی بر هویت مستقل و فردی زنان و دختران است، همچنین توجه به استقلال نقش فردی زنان در برابر نقش‌های وابسته به مردان.
۲	ما	۲۷۲	ضمیر اتحادبخش میان زنان گوینده و صحبت‌کننده در متن داستان و دربرگیرنده تمامی زنان در قالب الفاظی مانند «ما دختران»، «ما زنان»، «ما دختران وطن»، «ما نسوان ایرانی».
۳	مادر	۲۶۸	در بیشتر این داستان‌ها رفتار مادران با صفت «نادانی» و «ناآگاه‌بودن» مورد توجه قرار گرفته است. در متن داستان‌ها «نادانی مادر» به‌عنوان عامل اصلی «بدبختی دختران» معرفی شده و «مادران باسواد» و «مادران آگاه» در تقابل با «مادران نادان» قرار گرفته‌اند.
۴	خانواده	۲۰۴	منظور توجه به ساختار خانواده در تعریف سنتی آن است. در این متون، خانواده به‌عنوان گروهی معرفی شده است که استقلال نقشی و تصمیم‌گیری دختران را حذف می‌کند.
۵	قانون	۸۶	قانون در دوگانه «قوانین کارآمد» و «قوانین نا قانون» مورد توجه بوده‌اند. در این داستان‌ها قانون در تعریف مدرن آن مورد توجه است. به «قانون عرف» و «قانون شرع» نیز توجه شده است.
۶	جامعه (فرهنگ)	۵۹	بیشتر رفتارهای عرفی را شامل می‌شود که با نگاهی کاملاً منتقدانه به آن‌ها نگریسته شده است.

انعکاس تجربه‌های زیسته در داستان‌نویسی زنان

بیشتر این داستان‌ها به‌صورت مکالمه میان دو شخص محوری داستان که عمدتاً زن هستند صورت پذیرفته است (آینده ایران، ۱۳۱۰، سال ؟، شماره ۲: ۴؛ عالم نسوان، ۱۲۹۹، سال ۱، شماره ۴ و ۵). در این بین محدود داستان‌هایی مانند داستان رقت‌انگیز وجود دارند که افراد متعددی مانند نصرت، طلعت، مادر نصرت، خاله نصرت، غلام، هوشنگ، آخوند، حاجی، مادر حاجی، خواهر حاجی، همسر دوم حاجی، فرزندان همسر دوم حاجی و طیب در متن داستان وارد صحنه شده‌اند (زبان زنان، ۱۳۳۸ ق، سال ۱، شماره ۴: ۲-۴)، حال یا صحبت‌هایی از زبان آنان در متن داستان طرح شده یا نه، اما محوریت اصلی داستان همچنان گفت‌وگو میان دو نفر است. یک فرد آسیب‌دیده که تمایل دارد بدبختی خود را به‌صورت نصیحت و توصیه به زنی دیگر انتقال دهد (عالم نسوان، ۱۳۰۶، سال ۷، شماره ۱۲: ۴۶۶).

برخی از این داستان‌ها بر مبنای واقعه‌ای است که پیش از نگارش در قالب داستان به‌عنوان یک اتفاق برای شخص نویسنده رخ داده است. البته باید توجه داشت که موضوع واقعی بودن اصل داستان در هیچ‌کدام از داستان‌ها ذکر نشده است. نویسندگان داستان‌ها در حقیقت در سطوحی متفاوت شرح زندگی خود را به تصویر کشیده‌اند. در این داستان‌ها موضوعات محوری عبارت‌اند از: ازدواج اجباری، ازدواج ناموفق و نگاه ترس‌آور و ناامیدانه به زندگی مجدد/ نگاه تجربه‌آمیز و امیدوارانه به ازدواج مجدد. بررسی تطبیقی میان موضوع داستان‌ها و زیست فردی برخی نویسندگان این متون داستانی نشان می‌دهد شخصیت نصرت در «داستان رقت‌انگیز» در چند محور با شخصیت صدیقه دولت‌آبادی، نویسنده داستان، همخوان است: ۱. ازدواج اجباری، ۲. تفاوت سنی بسیار زیاد آن دو با شوهرانشان و ۳. ناموفق بودن ازدواج و جدایی. اتفاقاتی که برای دختری به نام سودابه در داستان «انصراف یک دختر بیچاره از ازدواج اجباری» رخ می‌دهد، شباهت‌های بسیار با زندگی نویسنده داستان، مه‌رتاج رخشان (بدرالدجی رخشان) دارد، این شباهت‌ها عبارت‌اند از: ۱. نزدیک شدن هردو به ازدواج اجباری و فرارشان از آن، ۲. نزدیک شدن به کودک‌همسری، ۳. مجردماندن تا انتهای عمر به‌دلیل ترس از امری که در دوران کودکی آن را تجربه کرده‌اند. شخصیت‌های زن در سه داستان «ازدواج اجباری»، «سرگذشت یک زن» و «ناله یک زنی» (آینده ایران، ۱۳۱۰، سال ؟، شماره ۲: ۴؛ مجله پیک سعادت نسوان، ۱۳۰۶، سال ۱، شماره ۱) از جهات متعدد با سرگذشت فخرعظمی ارغون نویسنده این داستان‌ها نیز شباهت دارد. این شباهت را در رفتارهای گاه متضاد در طول زندگی زنان آن داستان‌ها با تصمیمات فخرعظمی ارغون نیز می‌توان مشاهده کرد: ۱. ناموفق بودن ازدواج نخست و بیزاری از ازدواج مجدد، ۲. جدایی از شوهر به‌دلیل رفتارهای ناپسند، ۳. بازگشت به زندگی و تمایل برای ازدواج مجدد، ۴. کسب تجربه از زندگی ناموفق قبلی و ساختن زندگی مجدد بر پایه عاطفه و

علاقه.

جدول ۴. ارتباط موضوع داستان با تجربه زیسته نویسنده

داستان	موضوع داستان	نویسنده	برشی از زندگی شخصی نویسنده
داستان رقت‌انگیز (۱۲۹۹ ش)	ازدواج اجباری و زود هنگام نصرت با حاجی و فاصله سنی زیاد آن دو با یکدیگر	صدیقه دولت‌آبادی	نویسنده در ابتدای زندگی به اجبار خانواده با اعتضادالحکما که حدود سی سال با او اختلاف سنی داشته ازدواج کرده و پس از مدتی جدا شده است.
انصراف یک دختر بیچاره از ازدواج اجباری (۱۳۰۵ ش)	نزدیک شدن سودابه به ازدواج اجباری؛ سودابه از ترس، دیگر تا انتهای عمر ازدواج نکرده است.	مهرتاج رخشان	نویسنده در کودکی به ازدواج اجباری نزدیک می‌شود، اما صورت نمی‌گیرد. پس از آن تا انتهای عمر مجرد باقی می‌ماند.
ناله یک زن (۱۳۰۶ ش)	انتقادهای زنی با نقش مادری از شوهرش به دلیل رفتارهای ناپسند	فخرعظمی ارغون	نویسنده پس از ازدواجی ناموفق و داشتن دختری با نام سیمین (سیمین بهبهانی) که حاصل پیوند نخستین او بوده، از شوهرش عباس خلیلی به دلیل رفتارهای شوهرش با او طلاق می‌گیرد.
ازدواج اجباری (۱۳۱۰ ش)	ازدواج اجباری و ناموفق دختری با مردی بداخلاق و فاسد و تنهای زندگی آن دختر	فخرعظمی ارغون	ناموفق، ناآگاهانه بودن و احساساتی بودن ازدواج نخست نویسنده داستان و تنهای مرحله نخست زندگی او
سرگذشت یک زن (۱۳۱۱ ش)	توصیف زندگی زنی که در ابتدا زندگی ناموفق داشته، اما بعد به شاعری روی آورده و زندگی مناسبی برای خود ساخته است	فخرعظمی ارغون	نویسنده پس از ازدواج ناموفق اولش، با عادل خلعتبری ازدواج کرده، بیشتر به شاعری و معلمی پرداخته و برای خودش زندگی آرامی ساخته است.

در این داستان‌ها به جای الفاظ عامی مانند دختر و زن یا واژه‌های تحقیرآمیزی مانند ضعیفه، کمینه و مخدرات که پیش از این در جامعه مورد استفاده بوده است، برای زنان، نام‌هایی نوین و مدرن مانند پیروش، مهرآسا، پروین، پری‌رخ، سروناز، سحرناز یا اسامی شاهنامه‌ای مانند هما استفاده شده است (مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، ۱۳۰۲، سال ۱، شماره ۲: ۱۰؛ عالم نسوان، ۱۳۰۸، سال ۱۰، شماره ۲: ۷۵-۸۰). برای مردان نیز دو نوع نام ذکر شده است. آنجا که مردان در متن داستان دارای نقشی مثبت هستند، با اسامی خاص مانند هوشنگ معرفی شده‌اند، مانند دو شخصیت هوشنگ در دو داستان «ازدواج هما و هوشنگ» و «داستان رقت‌انگیز» و آنجا که نگاهی منفی به عملکرد مردان وجود دارد عمدتاً با الفاظی نظیر «حاجی»، «مردک» و «مرد دیوصفت» معرفی شده‌اند.

عوامل تیره‌بختی دختران در داستان‌نویسی زنان

هم‌زمان با انتشار جراید زن‌نگار در سال ۱۲۸۹ شمسی به بعد، «امور اجتماعی نسوان» (امور اجتماعی زنان) نیز در سطحی گسترده مورد توجه قرار گرفت. نخستین روزنامه زنان با عنوان

دانش به نقد رفتارهای تعلیمی، تربیتی و حفظ‌الصحة (بهداشت) مادران پرداخت. روزنامه شکوفه نیز بسیاری از ساختارهای رفتاری مانند روابط عروس و مادرشوهر، تقابل طب سنتی و پزشکی مدرن، گرفتاری زنان به خرافات و رمالی و سبک زندگی را نقد کرد. روزنامه شکوفه برای تأثیرگذاری اجتماعی بیشتر از زبان تصویر و کاریکاتور نیز برای بیان دیدگاه‌های خود استفاده کرد. دیگر مطبوعات زنان نیز چنین محورهایی را سرلوحه کار خود قرار دادند و در مقالاتی به نقد ساختارهای اجتماعی پرداختند. زنان در کنار نگارش مکتوبات، از زبان نظم و داستان نیز برای بیان انتقادهای خود استفاده کردند.

مخاطب اصلی این داستان‌ها نیز جامعه است؛ چرا که محور اصلی، نقد ساختارهای اجتماعی است. در کنار توجه به نقد کل‌گرا -نقد به کل جامعه- به ترتیب تصمیم‌های آمرانه خانواده‌ها به‌ویژه «مادران بی‌سواد و ناآگاه»، قوانین ناقص و ناکارآمد، شهوت‌رانی و سودجویی مردان و بی‌اعتنایی جامعه و بی‌مسئولیتی آن در برابر آینده «تک‌تک ابنا و فرزندان ذکور و مؤنث وطن» به‌عنوان موضوعات پرتکرار و عوامل اصلی در «بدبختی دختران و سیه‌روزی آنان» معرفی شده است. در میان داستان‌های بررسی‌شده در ۴۰ درصد داستان‌های زنان، خانواده و رفتارهای آمرانه و اجباری آن، نقشی مهم در تیره‌بختی دختران با محوریت تن‌دادن به «زدواج اجباری» را داشته است. در این داستان‌ها «مادران نادان» و رفتارهای آنان به انضمام انجام «رسوم کهنه» و «امور خرافیه» عامل اصلی در عدم سعادت دختران، زنان و مادران فردا معرفی شده است. قوانین ناکارآمد با ۲۴ درصد حجم کل داستان‌ها، دومین عامل پرتکرار در بدبختی زنان معرفی شده است. قوانینی که «حقوق نسوان» در آن‌ها نادیده گرفته شده است؛ دارای رویکردهای جنسیتی است، فاقد هرگونه «بتکار در فنون» است و پاسخگویی و کارآمدی لازم را برای حل مشکلات احتمالی پیش‌آمده نداشته است. در این داستان‌ها ناکارآمدی قانون در دو نوع الف) قانون عمومی و ب) تنوع قوانین مانند قانون شرع، قانون عرف و قانون دولتی نقد شده‌اند. طمع مردان و بی‌اعتنایی جامعه‌محورهای سوم و چهارمی هستند که در داستان‌های زنان به‌عنوان موضوعات نقش‌آفرین در شکل‌گیری بدبختی زنان به آن‌ها اشاره شده است. در خصوص طمع مردان به همراهی ناآگاهی دختران جوان نیز توجه شده است. از نظر زنان داستان‌نویس، جامعه به‌دلیل ناآگاهی و ناآشنایی با علوم جدید در درک «حال روز» زنان ناتوان بوده است. در این بی‌اعتنایی، زنان نیز علیه زنان اقدام کرده‌اند؛ رفتارهای خرافاتی زنان و مادران در قالب معرفی «مادران نادان» و «دیگر نسوان ناآگاه» در این داستان‌ها مورد بحث و نقد قرار گرفته است.

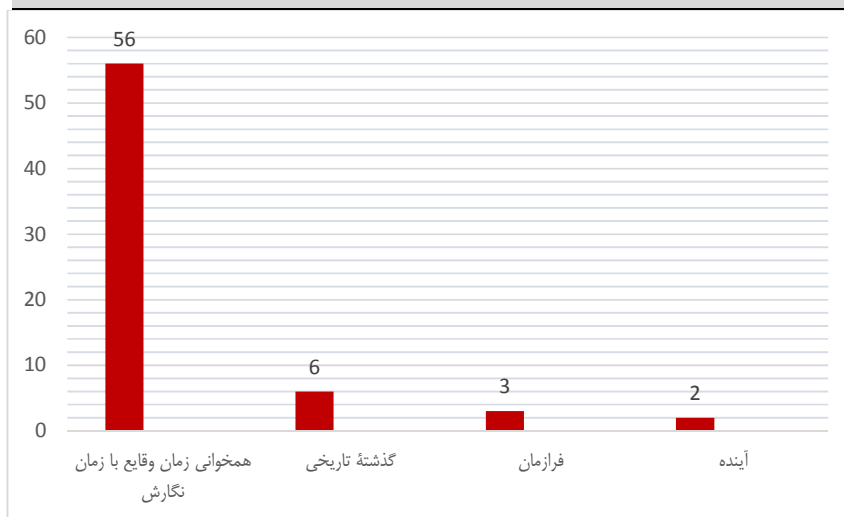
جدول ۵. بررسی عوامل «سیه‌روزی نسوان» در داستان‌های زن‌نگار

ردیف	عامل	تعداد داستان‌ها	درصد نسبت به حجم کل	نمونه‌های داستانی
۱	خانواده ناآگاه	۲۷ مورد	۴۰	«داستان رقت‌انگیز» «خواستگار» «گفت‌و‌گویی دخترک با مادر نادانش»
۲	قوانین ناکارآمد	۱۶ مورد	۲۴	«نالۀ یک زنی» «دخترکی که یک‌باره هوو شد»
۳	شهوت‌رانی مردان	۱۳ مورد	۱۹/۵	«مکالمۀ پروانه و پربرخ» «یک دختر ایرانی»
۴	جامعۀ بی‌اعتنا	۱۱ مورد	۱۶/۵	«مکالمۀ دو نفر شاگرد مدرسه؛ پرپوش و مهرآسا» «ازدواج اجباری»

در این داستان‌ها، زنان ضمن نقد ساختارهای اجتماعی، نقد «تقلید» و نقد «اجبار» در تلاش بوده‌اند تا قانون را نیز وادار به «ابتکار در فنون» کنند. آنان با ذکر این پرسش که «چرا زنان ما به دنبال ظواهر هستند» به خودانتقادی رفتارهای زنان زمانۀ خود و گذشته‌شان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که «زنان دیگر به زندگی قدیم و روش کهنه نباید عمل کنند. آنان باید مناسب حال روز قدم بردارند و رفتار کنند.

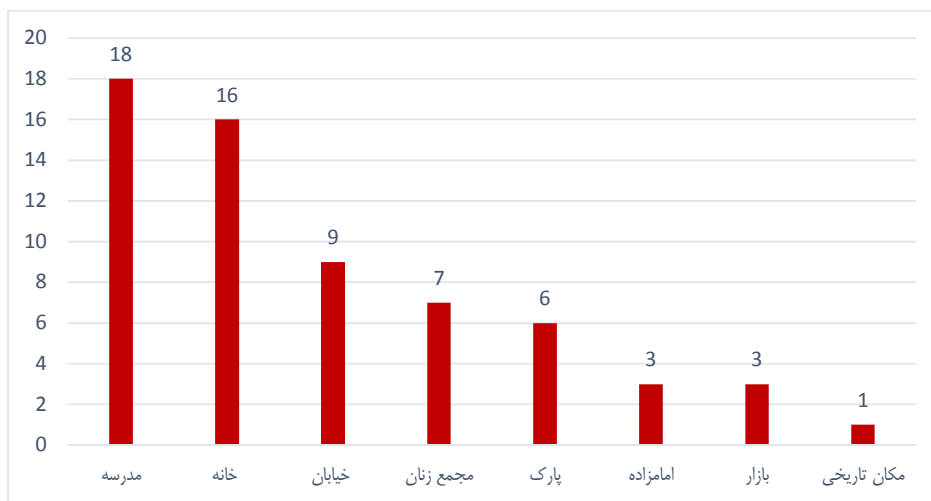
پردازش‌های زمانی و مکانی در متون داستانی زنان

در محور زمان‌پردازی، بیشتر داستان‌ها دارای همخوانی و تطبیق زمانی میان زمان نگارش داستان و زمانه‌پردازی‌های وقایع در متن داستان‌ها هستند. از مجموع ۶۷ داستان یافت‌شده در منابع دورۀ مورد بحث، شش داستان دارای زمان‌آرایی مبتنی بر گذشته تاریخی هستند. در دو متن داستانی نیز به زمان‌پردازی آینده‌نگر پرداخته شده و سه داستان نیز در فرازمان، عالم خواب و بدون وجود زمان‌پردازی معین رخ داده‌اند. در ۵۶ داستان دیگر نیز زمان رخدادها با زمان‌پردازی موجود در متن داستان دارای همخوانی زمانی هستند.



شکل ۱. پردازش زمانی داستان‌های زن‌نگار ۱۲۸۹-۱۳۱۱

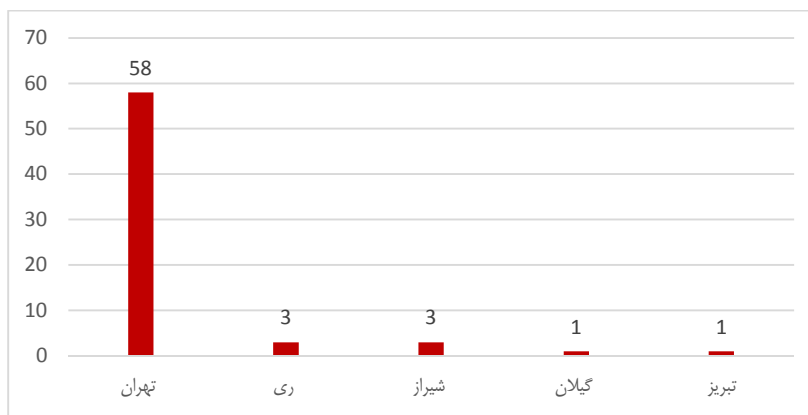
در محور فضاپردازی برخی از این داستان‌ها در محیط‌های رفاهی مانند پارک، برخی دیگر در محیط‌های آموزشی و تربیتی مانند «مدارس نسوان»، برخی در محیط‌های مذهبی مانند امامزادگان و نمونه‌هایی نیز در عرصهٔ جامعه، نمونه‌های ترکیبی و دارای چرخش فضایی یا حتی در عالم خواب مورد تشریح و توصیف قرار گرفته‌اند.



شکل ۲. صحنه‌پردازی مکانی در داستان‌های زن‌نگار ۱۲۸۹-۱۳۱۱

صحنه‌پردازی‌های مکانی در داستان‌های زنان نشان می‌دهد فضای مدرسه در این متون

داستانی مورد تأکید و توجه شاخص قرار گرفته است؛ به‌صورتی که توجه به مدرسه و «دبستان» در این داستان‌ها را در راستای همان هدف زنان در تشریح اهمیت «دبستان»، مدرسه و «تعلیم و تربیت» برای دختران از دورهٔ مشروطه به بعد می‌توان دانست. در تقسیم‌بندی دوگانهٔ فضاپردازی عمومی و فضاپردازی خصوصی نیز باید اشاره داشت که هیچ‌کدام از صحنه‌پردازی‌های داستان در فضاهای اندرونی نیست (دانش، ۱۳۲۸ ق، سال ۱، شمارهٔ ۵؛ همان، ۱۳۲۸ ق، سال ۱، شمارهٔ ۶؛ عالم نسوان، ۱۳۰۵، سال ۷، شمارهٔ ۲؛ مجلهٔ پیک سعاد نسوان، ۱۳۰۶، سال ۱، شمارهٔ ۱؛ دختران ایران، ۱۳۱۱، سال ۱، شمارهٔ ۳)، فضای اندرونی به‌عنوان فضایی شبه انقیادآمیز و محصورانه برای زنان در این متون حذف شده است؛ امری که ارتباطی مستقیم میان تبدیل «دیگری» پنداشتن زنان به «جنس نسوان» و «نیمهٔ دیگر هیئت اجتماعی» شدن او با حذف ساختار بنایی اندرونی از معماری ایرانی در ساختار ایران مدرن به‌خصوص در دورهٔ پهلوی اول دارد.



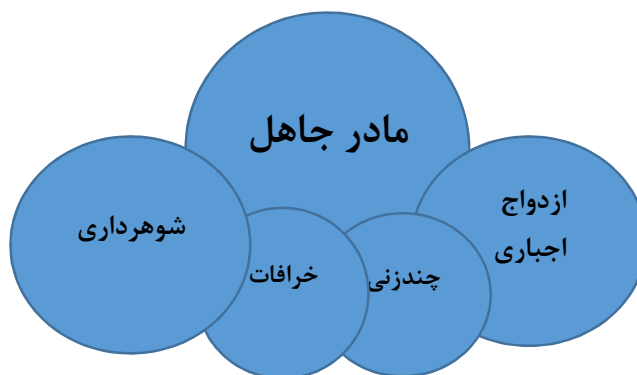
شکل ۳. مکان‌پردازی‌های شهری در داستان‌های زنان ۱۲۸۹-۱۳۱۱

توجه به محیط‌های شهری در این داستان‌ها بیشتر از محیط‌های روستایی است. دلیل این امر را در شهری‌بودن نویسندگان و دوران رواج شهری‌شدن در «ایران مدرن» در دورهٔ رضاشاه می‌توان معرفی کرد؛ موضوعی که نشان‌دهندهٔ تأثیر متقابل فضاپردازی انجام‌شده در متن داستان‌ها با ساخت اجتماعی موجود است.

نتیجه‌گیری

مشروطه و دوران تاریخ‌ساز آن را آغازگر تحولات اجتماعی و شکل‌گیری برخی تغییرات اجتماعی در جامعهٔ ایران می‌توان معرفی کرد. در همین دوران با انتشار جراید زن‌نگار، زنان نیز در کنار مکتوب‌نگاری از زبان نظم و داستان برای طرح دیدگاه‌های خود استفاده کردند و

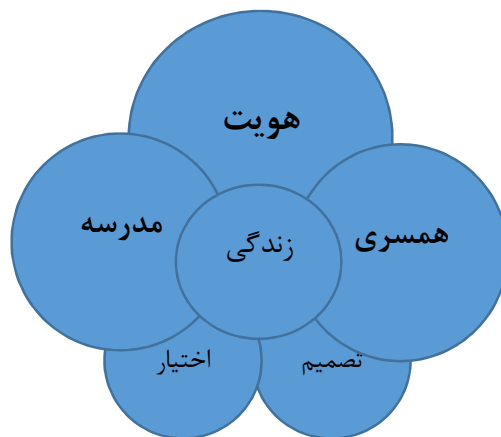
نخستین داستان‌های زن‌نویس با موضوع طرح مطالبات اجتماعی و مسائل اجتماعی مربوط به زنان در مطبوعات زنان در این دوره به انتشار رسید. دانش نخستین جریده زن‌نگار این دوره است که متنی داستانی را منتشر ساخت. *زبان زنان*، نخستین جریده زن‌نگاری است که داستانی چندبخشی در آن به چاپ رسیده است؛ داستانی با نام «داستان رقت‌انگیز» به قلم صدیقه دولت‌آبادی و با موضوع شرح زندگی دختری به نام نصرت که ازدواج اجباری و کودک‌همسری را تجربه کرده است: تجربه‌ای ناکام و برآمده از هم‌دستی «سنت» و «مادر نادان». در میان جراید زن‌نگار این دوران، مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، *عالم نسوان*، *پیک سعادت نسوان* و *دختران ایران* دارای بیشترین داستان‌های زن‌نگار با محوریت نقد ساختارهای اجتماعی هستند. بررسی ۶۷ داستان زن‌نگار یافت‌شده نشان می‌دهد موضوع محوری تمامی این داستان‌ها مسائل اجتماعی زنان است. هیچ‌یک از آن‌ها ترجمه نیستند و با هدف سرگرمی نیز به نگارش درنیامده‌اند. هدف اصلی آن‌ها انتقال تجربه است و دارای رویکردهای تعلیمی و نصیحتی هستند. این متون داستانی بیشتر توجه خود را به مقوله ازدواج اجباری و ازدواج زود هنگام دختران (کودک‌همسری) اختصاص داده‌اند. ساختارهای اجتماعی و رفتارهای عرفی در این خصوص نیز به‌صورت جدی مورد نقد و نفی قرار گرفته است.



شکل ۴. کلان‌روایت‌های تأثیرگذار در انقیاد زنان (مبتنی بر داستان‌های زنان)

زنان در این متون داستانی به نفی «اجبار» پرداخته‌اند و بر رعایت دو امر «اختیار» و «انتخاب» برای زنان در امور اجتماعی به‌ویژه مسئله ازدواج، مراحل زندگی و تحصیل تأکید داشته‌اند. اختیار در برابر اجبار و انتخاب در برابر انتخاب آمرانه در قالب توجه به قدرت تصمیم‌گیری زنان است. در این متون هویت، ارتباطی نزدیک با مفهوم «خود» و «من» پیدا کرده است. هویت اجتماعی در قالب تعریف خود براساس مای جمعی و هویت شخصی در قالب تعریف خود براساس صفات فردی و شخصی-شخصیتی در این متون پردازش شده است.

گسترده‌تری ضریب تکرار ضمیر اتحاد بخش «ما» و واژه «من» مبین تأکید زنان بر هویت جمعی و فردی زنانه است.



شکل ۵. کلان‌روایت‌های ترویجی و امیدبخش

شخصیت‌های نقش‌آفرین در این داستان‌های زن‌نگار، زنانی سرخورده‌اند. زنانی که راوی داستان‌اند، در حقیقت به شرح عوامل تیره‌روزی خود برای دختران جوان یا زنانی دیگر پرداخته‌اند. در این روایت‌پردازی‌ها از زبان زنان سنتی (نمادهای ترویج خرافات و اثرگذار در انقیاد زنان) خطاب به دختران جملاتی جنسیت‌زده، آمرانه و دستوری مطرح می‌شود. این زنان سنتی که عمدتاً در قالب «مادران نادان» ظاهر می‌شود، اصلی‌ترین عامل «تیره‌بختی دختران» و ترویج زیست مردسالار هستند. در متن داستان‌ها، زنان بیشتر با نام‌های فردی خود مانند پروانه، پری‌رخ، پروین، آذر، ماهبانو، مه‌ری، پیوش، مهرآسا، سحرناز، سروناز، طلعت، نصرت و گلرخ ظاهر شده‌اند؛ موضوعی که مبین استقلال نقشی و توجه به فردیت زنان در این متون داستانی زن‌نگار است.

در حوزه‌ی پردازش زمانی و مکانی، بیشتر داستان‌ها دارای همخوانی زمان نگارش با صحنه‌پردازی‌های زمان موجود در داستان هستند. از نظر مکانی نیز در بخش عمده‌ای از داستان‌ها، زنان در فضای عمومی مانند مدرسه، خیابان، انجمن‌های زنان، پارک و اماکن مذهبی به دیدار و ملاقات و گفت‌وگو با یکدیگر پرداخته‌اند. این امر تلاش مستمر زنان برای خروج از اندرونی‌ها را نشان می‌دهد. در عرصه‌ی عمومی، بیشترین مکانی که صحنه‌های گفت‌وگو در آن اتفاق افتاده، مدرسه است. مدرسه به‌عنوان مکانی معرفی شده که علاوه بر نقش «دبستان» و آموزش علمی، نقش «تعلیم» و «تربیت» اجتماعی را نیز دارا بوده است.

عوامل «سیه‌روزی نسوان» نیز به‌ترتیب تکرار ۱. خانواده ناآگاه با ۴۰ درصد فراوانی

موضوعی، ۲. قوانین ناکارآمد با ۲۴ درصد فراوانی موضوعی، ۳. شهوت‌رانی مردان با ۱۹/۵ درصد فراوانی موضوعی و ۴. جامعه بی‌اعتنا با ۱۶/۵ درصد فراوانی موضوعی معرفی شده‌اند. در میان دو نقش مادر و پدر، مادران نقشی پررنگ‌تر در انقیاد دخترانشان در این داستان‌ها را دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد همان‌گونه که داستان‌نویسی زنان از نظر موضوع از رفتارهای جامعه اثرپذیری داشته است، پس از طرح بحث‌های انتقادی و انتقال آگاهی به جامعه که بخشی از آن از طریق داستان‌نویسی زنان صورت پذیرفته است، شرایط برای آگاهی اجتماعی افزایش یافته و با آماده‌کردن جامعه برای پذیرش قوانین مدرن توانسته است بر جامعه نیز اثرگذار باشد؛ برای نمونه پس از درج داستان‌نویسی‌های مطبوعاتی زنان است که در فاصله سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ در جرایدی غیرزن‌نگار مانند *حیل‌المتین* نیز موضوع سن مناسب ازدواج و نقد کودک‌همسری مورد توجه قرار گرفته است. همچنین این متون داستانی توانسته‌اند شرایط مناسب اجتماعی برای پذیرش قوانین مدرن با موضوع تعیین سن مناسب ازدواج را فراهم آورده و با تبلیغ ماده‌های مرتبط با این قوانین، ضمن حمایت از قوانین مربوط به ازدواج سبب کاهش اثرگذاری مخالفت‌های سنت‌گرایان در این خصوص بر جامعه شوند. محوری‌ترین قوانین مرتبط با موضوع ازدواج اجباری و کودک‌همسری نیز اختصاص به قوانین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ یعنی حدود یک دهه پس از آغاز داستان‌نویسی زنان با محورهای موضوعی ازدواج زنان دارد که در آن، مردان ملزم شده‌اند تا در زمان ازدواج به دفاتر رسمی ازدواج اعلام کنند که پیش از این همسری داشته‌اند، دارند یا خیر؛ علاوه بر این، سن ازدواج در ماده ۱۰۴۱ مدنی مصوبه ۱۳۱۳ این‌گونه ابلاغ شد که سن ازدواج دختران ۱۵ سال تمام و سن ازدواج پسران ۱۸ سال تمام خواهد بود. ضمن وجود برخی معافیت‌ها اما «این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل شود که کمتر از ۱۵ سال تمام دارد».

محدودیت‌های پژوهشی

- دشواری در دسترسی به اوراق مطبوعاتی دوره مورد بحث به‌ویژه در مراکز اسنادی داخل کشور؛
- نبود برخی شمارگان جراید به‌دلیل عدم آرشیوسازی صحیح و دسترسی‌نداشتن به بخش‌هایی از داستان‌ها؛
- دشواری در خوانش داستان‌ها به‌دلیل فرسودگی اسناد و چاپ سنگی‌بودن متن‌ها؛
- درج‌نشدن نام نویسنده در بخش انتهایی داستان‌ها و تلاش برای تعیین هویت و جنسیت نویسنده؛
- برخی نمونه‌های داستانی به قلم مردانی نوشته شده است که با نام مستعار یک زن خود را معرفی کرده‌اند (نمونه آن در نشریات *عالم نسوان* و *بیک سعادت نسوان* قابل مشاهده است)،

آگاهی از این امر بدون داشتن اطلاعات گسترده تاریخی دشوار است.

پیشنهادها

- توجه به فرایند تاریخی داستان‌نویسی زنان؛ زنان نخستین تجربه‌های داستان‌نویسی مدرن خود را هم‌زمان با انتشار جراید زن‌نگار در سال‌های انتهایی دوره قاجار به‌دست آورده‌اند، برای بررسی روند دگرگونی داستان‌نویسی زنان در دوران معاصر لازم است به این دوران نیز توجه شود تا بتوان تحلیل‌هایی صحیح‌تر از سیر داستان‌نویسی زنان ارائه کرد؛

- کتاب‌های داستان فقط منابع مربوط به داستان‌نویسی زنان نیستند، بلکه یادداشت‌ها و اوراق مطبوعاتی به‌ویژه در ادوار متأخر نیز منابعی ارزشمند در خصوص سیر تحول ادبیات زنان در ایران معاصر هستند. این منابع نیازمند شناخت، معرفی و تحلیل هستند؛

- با توجه به آنکه هر داستان پیامی را به خواننده انتقال می‌دهد، فهم آن پیام در متن داستان و همچنین شناخت اوضاع اجتماعی که متن داستان در آن روایت شده است، به آگاهی بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی منجر می‌شود. بر همین اساس هر متن داستانی، خود می‌تواند منبعی در حوزه تاریخ اجتماعی باشد. همچنین لازم است بررسی و تحلیل این منابع به‌صورت بین‌رشته‌ای صورت پذیرد.

منابع

- آخوندزاده، میرزافتحعلی (بی‌تا). *حکایت وکلای مرفعه*، طهران: کارخانه کربلایی محمدحسین.
- استرآبادی، بی‌بی خانم (۱۳۷۱). *معایب الرجال*، تصحیح افسانه نجم‌آبادی، شیکاگو: انتشارات نگرش و نگارش زن.
- اسکندری، میرزا یحیی (۱۳۲۸ ق.). «عروسی مهرانگیز»، *روزنامه ایران نو*، س ۲، ش ۳، ۲۱ شوال ۱۳۲۸ ق.
- اسکندری، میرزا یحیی (۱۳۲۸ ق.). «عروسی مهرانگیز»، *روزنامه ایران نو*، سال ۲، شماره ۴، ۲۲ شوال ۱۳۲۸ ق.
- ارغون، فخرعظمی (۱۳۰۶). «ناله یک زنی»، *مجله پیک سعادت نسوان*، س ۱، ش ۱.
- ارغون، فخرعظمی (۱۳۱۰). «ازدواج اجباری»، *آئینه ایران*، سال ؟، شماره ۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۸۵). *مقدمه و فهارس از ایرج افشار*، تهران: امیرکبیر.
- باغدار دلگشا، علی (۱۴۰۰). *زن در ایران نو: واکاوی مسائل اجتماعی زنان در روزنامه ایران نو ۱۲۹۰-۱۲۸۸ شمسی*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- باغدار دلگشا، علی (۲۰۱۹). «حقوق زنان در مطبوعات زن‌نگار ایران از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۵ میلادی»، *ایران‌نامگ*، س ۴، ش ۱، صص ۸۴-۶۱.
- بدرالملوک (۱۲۹۹). «یک تصادف مفید یا سرگذشت دو نفر از محبوسین نظمیه»، *عالم نسوان*، س ۱، ش ۴.

بدرالملوک (۱۲۹۹). «یک تصادف مفید یا سرگذشت دو نفر از محبوسین نظمیه: بقیه از شماره قبل»، *عالم نسوان*، س ۱، ش ۵.

بگم، ترقی (۱۳۰۴). «جواب دلشاد خانم»، *عالم نسوان*، س ۵، ش ۶.
بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳). *خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا*، تهران: علمی.

تاج السلطنه (۱۳۷۸). *خاطرات تاج السلطنه*، به کوشش مسعود عرفانیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
تبریزی، میرزا آقا (بی تا). *پنج نمایشنامه*، بی جا، بی نا، نسخه چاپ سربی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی با شماره بازیابی: ۲۳۸۷۰۲۳.

تمدن (روزنامه). (۱۳۲۵ ق). «مکتوب یکی از مخدرات»، س ۱، ش ۱۲.
تیمورتاش، ایراندخت (۱۳۰۹). *داستان دختر تیره بخت و جوان بلهوس*، تهران: مطبعه دانش ناصری.
مجله جمعیت نسوان وطن خواه ایران (۱۳۰۲). «مکالمه دو نفر شاگرد مدرسه، پریوش و مهرآسا»، س ۱، ش ۲.

مجله جمعیت نسوان وطن خواه ایران (۱۳۰۳). «مضرات ازدواج هنگام صباوت»، سال ۱، شماره ۳.
مجله جمعیت نسوان وطن خواه ایران (۱۳۰۴). «شبی از زندگی یک زن»، سال ۱، شماره ۹.
جوادی، حسن؛ مرعشی، منیژه و شکرلو، سیمین (۱۹۹۲). *رویا رویی زن و مرد در عصر قاجار: دو رساله تأدیبات نسوان و معایب الرجال*، واشنگتن: کانون پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان.
خلیلی، عباس (۱۳۰۳). *روزگار سیاه*، طهران: مطبعه اقبال.
دالمانی، هانری رنه، (۱۳۷۸). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.

دانش (۱۳۲۸ ق). «سرگذشت شوهر کردن خانم جوان»، س ۱، ش ۵، شوال ۱۳۲۸ ق-۱۲۸۹ ش.
دانش (۱۳۲۸ ق). س ۱، ش ۶، ذی‌قعدة ۱۳۲۸ قمری-۱۲۸۹ ش.
دولت آبادی، یحیی (۱۳۰۵). «شهنواز»، نشریه آینده، مجلد دوم، شماره ۱.
دولت آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ ق/۱۲۹۸ ش). «داستان رقت‌انگیز»، روزنامه زبان زنان، س ۱، ش ۲.
دولت آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ ق/۱۲۹۹ ش). «داستان رقت‌انگیز»، روزنامه زبان زنان، س ۱، ش ۳.
دولت آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ ق/۱۲۹۹ ش). «داستان رقت‌انگیز»، روزنامه زبان زنان، س ۱، ش ۴.
دولت آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ ق/۱۲۹۹ ش). «داستان رقت‌انگیز»، روزنامه زبان زنان، س ۱، ش ۵.
دولت آبادی، صدیقه (۱۳۳۸ ق/۱۲۹۹ ش). «داستان رقت‌انگیز»، روزنامه زبان زنان، س ۱، ش ۶.
رستم کلائی، یاسمین (۱۳۸۳). «برنامه گسترده برای زنان ایران نو»، در *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*، استفانی کرونین (گردآورنده)، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی، صص ۲۷۰-۲۳۵.
سمیعانی، عفت (۱۳۰۵). *نشریه عالم نسوان*، س ۷، ش ۲.
سمیعانی، عفت (۱۳۱۰). «طرز تربیت دختران موجد نوع تمدن ملت‌هاست»، در *نشریه دختران ایران*، س ۱، ش ۱، مرداد ۱۳۱۰، ص ۱.
سمیعانی، عفت (۱۳۱۱). «خطاب به دختران ایران»، در *نشریه دختران ایران*، س ۱، ش ۳، خرداد ۱۳۱۱،

صص ۲۴-۲۷.

- شکوفه (روزنامه). (۱۳۳۲ ق). «فلسفه زن و شوهری»، س ۲، ش ۱۱.
- صفوت (ع) (۱۳۲۸ ق). «وداع»، سال ۱، شماره ۲، ۲۴ رمضان المبارک ۱۳۲۸ قمری - ۱۲۸۹ ش.
- صوراسرافیل (روزنامه). (۱۳۲۶ ق). «قندرون»، س ۱، ش ۲۷.
- طباطبایی، بشری؛ زرقانی، سید مهدی و یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۷). «نخستین داستان‌های زنان در ژانر مطبوعات»، نشریه تقدادبی، س ۱۱، ش ۴۱.
- عالم نسوان (۱۳۰۰). «یک دختر ایرانی»، س ۱، ش ۵.
- عالم نسوان (۱۳۰۰). «خواب غفلت»، س ۲، ش ۳.
- عالم نسوان (۱۳۰۰). «یک دختر ایرانی: بقیه از ش قبل»، س ۱، ش ۶.
- عالم نسوان (۱۳۰۱). «نسوان ایران» و «زدواج تازه»، س ۳، ش ۲، عقرب ۱۳۰۱ ش.
- عالم نسوان (۱۳۰۴). «ما را هم دختر می‌گفتند»، س ۵، ش ۶.
- عالم نسوان (۱۳۰۶). «مردان، زنان، خدا»، س ۷، ش ۱۲.
- عالم نسوان (۱۳۰۶). «مقاله عروسی»، س ۸، ش ۲.
- عالم نسوان (۱۳۰۸). س ۱۰، ش ۲.
- عالم نسوان (۱۳۰۹). «شوهر خیالی»، س ۱۰، ش ۳.
- عالم نسوان (۱۳۱۰). «عصر تمدن»، س ۱۱، ش ۳.
- عراقی، فاطمه (۱۳۰۶). «بیچاره من»، نشریه عالم نسوان، س ۷، ش ۵.
- عشقی، میرزاده (۱۳۹۹). «کفن سیاه» در نامه بانوان، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۹ ش.
- قائم‌مقامی، اشرف (۱۳۰۶). «علت تیره‌روزی نسوان و علاج آن»، نشریه پیک سعادت نسوان، س ۱، ش ۱.

قائم‌مقامی، ژاله (۱۳۴۵). *دیوان ژاله قائم‌مقامی*، به کوشش پژمان بختیاری، تهران: کتابخانه ابن‌سینا. کارزی، گل‌مهر (۱۳۸۴). *زنان نمایشنامه‌نویس در ایران*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. کیا، زهرا (۱۳۱۲). پروین و پروین، تهران، مطبعه مهر، نسخه چاپ سربی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره بازیابی: ۱۳۹۲۲۶.

کیا، زهرا (۱۳۱۵). *رهبر دوشیزگان*، تهران: بی‌نا، نسخه چاپ سربی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره بازیابی ۴۸۰۶۳۵.

مشفق کاظمی، مرتضی (۱۳۰۹). *تهران مخوف*، تهران: بنگاه مطبوعاتی پروین.

نامه فرهنگستان (۱۳۸۷). «نشریات و داستان‌های زنان»، ضمیمه نامه فرهنگستان، ش ۳۴، صص ۲۶۳-۲۵۱.

نظرزاده، رسول (۱۳۹۹). *روند دگرگونی ادبیات نمایشی زنان ایران (از ۱۲۸۹ تا ۱۳۵۷)*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

ویشارد، ج.گ (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.

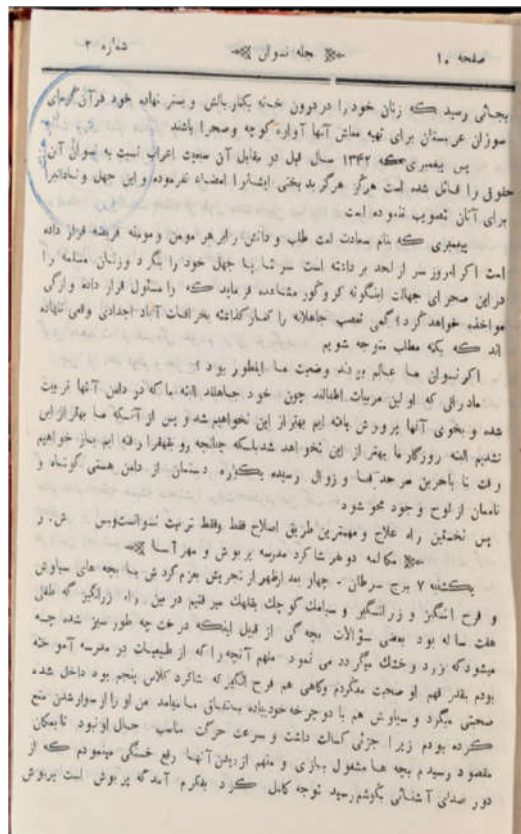
یقیکیان، گریگور (۱۳۸۰). *نمایش‌نامه «میدان دهشت» در زندگی و آثار نمایشی گریگور ییقیکیان*، به

کوشش فرامرز طالبی، تهران: انتشارات انوشه.

پیوست

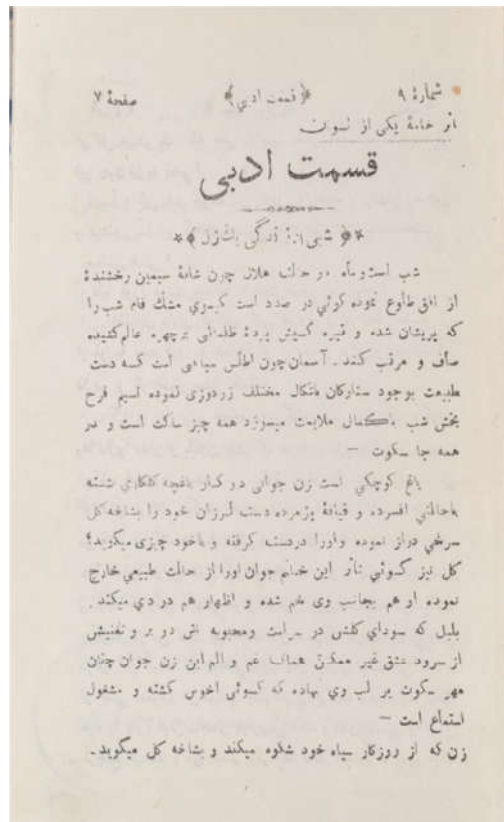


پیوست ۱. «داستان رقت انگیز» از صدیقه دولت آبادی
 فصل ۵، خانه حاجی / در روزنامه زبان زنان، ۱۲۹۹ شمسی، صص ۲-۳



پیوست ۲. «گفت وگوهای پریوش و مهرآسا»

مجله جمعیت نسوان وطن خواه ایران، س ۱، ش ۲، ۱۳۰۲ شمسی، ص ۱۰



پیوست ۳. داستان «شبی از زندگی یک زن»

مجله جمعیت نسوان وطن خواه ایران، س ۲، ش ۹، ۱۳۰۴ شمسی، ص ۷

- ۲۴ -

یک تصادف مفید

یا

سرگذشت دو نفر از محبوسین

نظمیه

(پیه از شماره قبل)

فردا اوسا شده دك و پوزی بهم میزنم اما فردا نه پس فردا نه پس اون فردا من
 برد پیش يك اوسای دبك كه يك عباسی زیادتر مزد میداد مخلص سر پیکال دست كم سی تا
 اوسا عوض کردم تا يك روزی تری فهوه خونه كه تازه شاگرد شده بودم نشسته بودم اسكتر
 كاردم میزده خونم در نماینده باخودم میگفتم كه حسن پس لبونی نبود مكتب رفته حالا
 میرزا حسن خان شده خودش بكطرف بیفش بكطرف من بجاره از سبج تا شوم چون بگم
 مشهدی غلوم رضا من و نوبد كفت رفیق دنیا دو روزه اقدر خودتو بخورد يك يك و افور
 زن حالت جا بیاد من خواهی نخواهی به یکی زدم اما بی بیر مثل آبتك به آتش زده آسون
 بدم زمین آندم اما و افور کشیدن پول میخواست دروغت نیمك از مشربها دزدی کردم تا زد
 همچون گیر آمد حالا تكرم بدجنی خوردم از نه تا ام بدوتم با از كاه كنده های ابرون كه به
 پیه قنبر درس خون نیکتند. دیگری سخن او را قطع نموده كفت :

آخ داداش گفنی مدینه كرده کیام منم از دست نه تا ام به این خاری اقدام اما
 اون بجاره از پس من دوست داشت این خاك بسرم كره دیروز آمده بود دوستای خونه
 اقدر كره كره كه سی بكم آینه من پیه كه بودم با هم همرش داد بشما دلخوشی نه تا ام

پیوست ۴. داستان «یک تصادف مفید یا سرگذشت دو نفر از محبوسین نظمیه»

از بدرالملوك، نشریه عالم تسوان، ۱۲۹۹

- ۳۱ -

انگلیسی اداره میشود آیا حیرت نمیکنید که غالب شهرهای ایران اصلاً مدرسه وجود ندارد شهر بالنسبه کوچکتر و دهات که دیگر تکلیفش معلوم است .
تمام این عیبهای ناشی از همان حس اولیه است که حتی اولیاءم ایران را تهران دانسته و عطف و جویی بسایر نقات ایران ندارند

در خانمه از خانم محترمه دلداد خانم تشکر میکنم از اینکه با قلم ساده وی آرایش خود عیوب این نوع خانمها را احلاجی کرده و برکت آنها مینهند. و اگر تمام زندهای ایران را دچار حمله خود فرار داده اند نتیجه حرارتی است که در هنگام نوشتن موضوع خود بایشان دست داده و حق هم دارند زیرا هرفی حسی از دیدن این مناظر متأثر شده در نتیجه عصبانی میشود و تنها قسمتی را از این مجله که من علاقه مند بخواندن آن هستم موضوعی ایشان است
چو ادر جهان بین کرمانی

ما را هم دختر میگفتند

نور از قیرشون بیاره بزرگترین ما میگفتند * آکه آدم مار بزاد بهتره تا دختر بزاد * ماها که سرگریبون بودیم آکه دهاتو سرمون میزدند سدامون در نمیبومد کاشکه سر ازگور در میاوردند و دخترهای این عهده نماشا میکردند که با ما هزار فرسخ تفاوت دارند .

خدا رحمت کند نه چویم میگفت هر وقت هاون حرف زد دخترهم حرف میزنه این حرف توی گوش من بود تا چند روز پیش رقص به یکی از این مدرسه های خراب شده ناکهان بك حناق گرفته از پشت پرده صدا درآمدی میگفت «حقوق! حقوق! منکه این چیزها سر نمیشه گون کردم میکه آدم بون مرده میخوره باید حقوق شناس باشه . آبیچی فاطمه سلطان که زن فهمیده اینست گفت بیچاره مقصود از این حرفها اینه که ما میخوایم مثل مردها باشیم گفتیم نفهمیدم گفت

پیوست ۵. داستان «ما را هم دختر می گفتند»

مندرج در نشریه عالم نسوان، ۱۳۰۴ شمسی، صص ۳۱-۳۳



حق مدبر خلقت و ژن هم مدار خلقت است
آری آری زن مهین سررشته دار خلقت است

گوش کن این نکه، ای فرزنده عشقار وطن
گریبوی زن بگیتی، نی نوبودی ونه من

روز شب در کسب دانش کوش و تحصیل کمال
هان مشو مفروز از حسن و جمال و جاه و مال
هر چه پنداری بگیتی میرود سوی زوال
شیر علم و معرفت چیزی ندانه لایزال

این نو فرمای ایران، این توانیم دوزکار
از تو سعی و کوشش واقدام، از ما انتظار
لتگروود - م - چودی ۵

(ناله يك زنی)

در این هنگام که شب چون گیسوی مشک قام بر بوشی پریشان شده
و نقاب وار چهره گیتی را پوشانیده و مانع جلوه گری اوست ناله محزون
شنیده میشود دل خونین من بر اثر ناله روان شد تا به پیشد این ناله از
کپست و در کجاست باشی است کوچک ولی معنفا و با سلیقه گلکاری
شده و درختان شمشاد و بوته های گل سرخ با صف های منظمه کشته
شده و گلپای رنگارنگ مختلف سنده سبز چمن را بنا کاری نموده و

پیوست ۶. داستان «ناله یک زنی» از فخر عظمی ارغون
نشریه پیک سعادت نسوان، ۱۳۰۶ شمسی، صص ۱۱-۱۶